

سیستم بانکداری در کشور سوئیس

بانکهای سوئیس بعلت مالکیت یا اعمال کنترل مبالغ عظیمی پول، قدرتمند می باشند. این قدرتی است که در دنیای خاکستری، تیره و نامرئی عملیات مالی بین المللی به ظهور می رسد. تنها عده قلیلی از اشخاص نسبت به آن آگاهی دارند، اما آثار آن دامنگیر همه مردم می گردد. پول سوئیس، کارخانه های مواد شیمیائی نروژ را احداث می کند. سیستم ترابری سوئد را مدرنیزه می سازد، پول (گیلدر) فلورن هلند را تثبیت نموده، پوند انگلیس را از سقوط رهائی می بخشد.

این پول به اعمال وال استریت، مرکز مبادلات مالی نیویورک راه یافته است و این وامهای اعطائی سوئیس به بانک جهانی استکه موجب تقویت دلار آمریکا شده است.

فرانک سوئیس که پشتیبانه ذخایر طلای آن به میزان بیش از ۱۵۵ درصد تا حداقل چند سال گذشته بود یک ارز بین المللی مانند دلار یا پوند استرلینگ نیست. اما نفوذ آن بطرق دیگر تقریباً به هر جا در جهان عرب و آگاهی اوقات به پشت پرده آهیننی می رسد.

بنابراین پول، حتی در عصر بمب اتم و ابر قدرتها، هنوز یک قدرت بزرگ بشمار می آید.

کشور آرام و زیبای سوئیس در رده هفتم جدول شادترین مردم جهان قرار دارد. دارای ۷/۵ میلیون جمعیت و متوسط طول عمر در این کشور در حدود ۸۱ سال است و مساحت آن ۴۱/۲۸۱ کیلومتر مربع می باشد.

درآمد سرانه مردم این کشور برای هر نفر ۳۹۰۰۰ دلار که بالاترین سرانه در جهان می باشد. مرکز صلیب سرخ جهان و تجارت جهانی WTO در این کشور قرار گرفته است.

سوئیس محلی است که رؤسای شرکتهای بزرگ برای وام گرفتن به آن مراجعه می نمایند محلی است که مردم سایر کشورهای جهان برای سپردن پول خود به آنجا می آیند و محلی است که در آن بانکها می توانند حتی برای نگهداری پول در حساب جاری مشتریان دستمزد تعیین کنند این دنیای حیرت انگیز بانکهای سوئیس است که از بعضی جهات با هیچ کدام از بانکهای دنیا شباهت ندارد .

شگفت اینکه بانکداری مدرن خیلی دیربه سویس راه یافته است. تجارتخانه های ثروتمند خصوصی در قدیم که بعضی از کارهای بانکی را انجام می دادند بانکهای واقعی نبوده بلکه مؤسساتی جهت سپردن پول و تنزیل بروات یا مراکز مبادله مرتبط به معادلات بازرگانی بوده اند ، آنها پول را مبادله یا نگهداری میکردند ولی به ندرت آن را اجاره یا قرض میدادند.

بانکها به معنای مدرن آن فقط پس از نیمه قرن نوزده وارد سوئیس گردیدند تا آن زمان بانکداری به مفهوم امروزی در انگلستان، فرانسه و هلند بعنوان قسمتی از اقتصاد سرمایه داری رو به توسعه ی اروپا در اوائل دوران صنعتی بطور قابل ملاحظه ای تکامل یافته بود. اما همانطوریکه سوئیس جای مناسبی برای ترویج عقاید مسیحیان پروتستان بود، اشکال و روشهای سرمایه داری که در کشورهای دیگر ابداع شده بود در هیچ نقطه دیگر، حمل امن تر و بادوام تری از سوئیس پیدا نکرد.

بانکهای خصوصی، قدیمترین نوع بانکها بوده، از بسیاری جهات جالبترین نوع آنها است، بانکهای خصوصی به ثبت نرسیده اند. قانوناً ملزم به انتشار ترازنامه خود یا هر نوع آمار و ارقام دیگر نیستند، اینها از لحاظ خود در تاروپود مالی سوئیس اهمیت زیادی ندارند، اما در عملیات مالی جهان دارای نفوذ فوق العاده ای هستند. در سال ۱۹۶۴ تعداد ۶۰ بانک از این نوع وجود داشت.

آنچه بانکهای سوئیس را از بانکهای سایر کشورها متمایز می سازد اینست که در داخل سوئیس ، حساب جاری با دسته چک چیزی ناشناخته است. مردم و بانکهای سوئیس برای استفاده از حساب جاری خود تدبیر دیگری اندیشیده اند که توسط اداره پست دولتی انجام می گیرد.

این بنام حساب ژيرو (انتقالی) خوانده می شود. اغلب مردم و بازرگانان سوئیس دارای چنین حسابی هستند، فروشگاههای این کشور حواله های پول یا بروات خود را با این حساب می فرستند، سپس اداره پست عیناً مانند بانک پول را از یک حساب ژيرو به حساب دیگر منتقل می نمایند - هرگاه پرداخت کننده یا دریافت کننده حساب ژيرو نداشته باشد، اداره پست اسکناس قبول کرده و تحویل می دهد، با این ترتیب پول را ظرف یک روز یا مدت کمتری میتوان به هر نقطه ای فرستاد. عجیب آنست که در کشوری مانند سوئیس که بیش از هر کشور دیگری در جهان دارای بانک می باشد اداره پست عملیاتی را انجام می دهد که در دنیای خارج بنام عملیات بانکی نامیده می شود.

نظام بانکداری سوئیس تا سال ۱۹۱۴ قبل از جنگ جهانی اول یا سایر کشورهای اروپائی تفاوت زیادی نداشت، اما سال ۱۹۱۴ نقطه عطفی بود، زیرا تغییرات ناشی که در جریان جنگ جهانی اول و سالهای بعد از آن در همه جا روی داده رگز دامنگیر سوئیس نشد. مردم این کشور از سقوط در بزرگترین دام قرن اجتناب کرده و هیچگاه عصر طلائی خود را ترک نموده اند - لازم بیادآریست که سوئیس یک کشور بیطرف در جنگ جهانی اول و دوم بود در آن زمان هنگانیکه کلیه کشورهای اروپائی تمام کوشش و فعالیتهای خود را صرف مخارج جنگ مینمودند تنها سوئیس بود که با اقتدار کامل در جهت شکوفائی اقتصاد و صنعت گام بر می نهاد و این زمانی بود که پول دنیا شروع به حرکت بسوی سوئیس نمود. جریان سیل طلا بسوی سوئیس از سال ۱۹۲۰ آغاز گردید، علت آغاز آن این بود که اروپا دچار تحولاتی شده بود که سوئیس از آن مصون مانده بود.

تا سال ۱۹۱۴ یعنی سال جنگ اول جهانی، فعالیتهای بازرگانی، مالی و صنعتی در اروپا اکثراً دست مؤسسات خصوصی بود. اما جنگ جهانی اول، پیکاری بود که نه تنها در جبهه ها بین لشکریان در گرفت. بلکه همه ملل خود را مجهز نموده در آن شرکت کردند. مفهوم این وضع آن بود که فعالیتهای بازرگانی و صنعتی نیز مانند افراد مجهز تجهیز میشد. فنون جدید جنگ نیاز به صنایع و سرمایه گذاری های نوین داشت و اینها در واقع از همدیگر غیرقابل تفکیک بودند.

مسئله عمده و اصلی که اقتصاد قرن نوزدهم، در دنیای قرن بیستم با آنکه مواجه گردید. غرض توپها واکنش خمپاره های جنگ نبود، دردسر بزرگ آن بود که اقتصاد حقیقتاً آزاد و پول آزاد واقعی با سیاستهای ملی گرایی دول خارجی سازگار نبود و جور در نمی آید.

طلای استاندارد شده که در همه جا ارزشمند بود می توانست بخوبی پشتوانه سرمایه گذاریهای بی سابقه ای تا آن تاریخ بحساب می آید ناسازگار بود بلکه با سیاست خود کفائی ملتها نیز در معارضه بود. پذیرش طلای استاندارد یا هر استاندارد دیگری که ارزش آن شناخته شده، منبع تهیه آن محدود باشد برای ملل مختلف به این معنا بود که یا ملتی وسیله تبادل را با دنیا دارد یا فاقد آنست و این خودبستگی به منابع درآمد آن ملت، تشکیلات و قدرت کار آن ملت داشت.

با افزایش مبانی استقلال و دموکراسی در دنیای غرب، سیاستمداران قرن بیستم دریافتند که این نظام غیر قابل تحمل می باش، زیرا با اتکاء به طلا، اعم از آنکه بهای آن ۳۰ دلار باشد یا ۳۰۰ دلار تعیین گردد، فعالیت مالی و بازرگانی در محدودیت قرار میگیرد. در حین حال خسارات و ویرانیهای ناشی از جنگ جهانی اول تاروپود همه ملل را از هم گسسته بود و در بحران اقتصادی که متعاقب آن آغاز گردید، همه ملل کوشیدند اقداماتی در جهت خود کفایی بعمل آورند. اما سوئیس ناگزیر بود برای بقاء خویش داد وستد نماید. تا آن زمان بانکهای سوئیس بزرگتر از آن شده بودند که عملیات خود را فقط به سرمایه گذاری در بازار آن کشور محدود کنند. این بانکها در ادوار اولیه جنگ از طریق اعطاء وام به خارج از کشور سود هنگفتی کسب کرده بودند.

در سال ۱۹۱۸ دارائیهای بانکهای سوئیس بمبلغ ۸ میلیارد دلار بالغ شده بود ولی در سال ۱۹۲۰ بعلت بحران و مشکلات مالی بعد از جنگ که دامن همه کشورها را فرا گرفته بود این مبلغ تقریباً به نصف تقلیل یافت. بانکهای بزرگ که اساساً برای فعالیت در خارج از سوئیس تاسیس شده بودند دچار مشکلات جدی گردیدند. اما شگفت اینکه اقداماتی که از اوایل سال ۱۹۲۰ آغاز پیدا کرد نه تنها آنها را نجات داد بلکه در اندک مدتی آنها را بصورت بزرگترین بانکهای دنیا در آورد.

سازمانها و پول کشور سوئیس که در جنگ بیطرف مانده بود دست نخورده باقی ماند. در سال ۱۹۲۰ پول این کشور باندازه طلا ارزش داشت. درحالیکه فرانک فرانسه، مارک آلمان، کرون اتریش و لیر ایتالیا بعلت هرج و مرج

اقتصادی پس از جنگ از استاندارد خود جدا شده، در اندک مدتی بی ارزش گردیده بود. حال آنکه پول کشور سوئیس ارزش خود را حفظ کرده بود.

سوئیس تنها کشوری است که مقررات محدودیت ارزی وضع نکرده، سرمایه، طلا و ارزهای خارجی آزادانه وارد آن کشور گردیده از آن خارج می شد.

این موضوع که سوئیس متجاوز یکصد سال در هیچ جنگی شرکت نکرده و ظاهراً در آینده نیز شرکت نخواهد کرد، این کشور را در مرکز طوفان اروپا، بصورت جزیره ای امن و آرام درآورده که موجب تشویق سایر ملل به انتقال پول خود به آن کشور و تبدیل آن به فرانک سوئیس شده است. دلایل دیگری نیز وجود داشت که چرا ناگهان سوئیس توجه و علاقه همگان را بسوی خود جلب کرده بود و آن عبارت از این بود که بسیاری از مقررات و تضییقات مالی از قبیل کنترل دارائیه‌ها، مسدود کردن حسابها، وضع مالیاتهای سنگین، تورم مصنوعی و تقلیل ارزش پول جاری که تقریباً همه کشورهای اروپائی در سالهای بعد از جنگ بکار بسته و موجب محدودیت فعالیتهای بازرگانی و مالی شده بود به کشور سوئیس راه نداشت.

بسیاری از اروپائیان معتقد بودند که آنچه درآمد کسب کرده اند متعلق به خودشان است و دلیلی برای نظارت دولت وجود ندارد. یک تئوری کلاسیک هنوز در ذهن بسیاری از مردم جای داشت که کار دولتها در مورد پول عبارت از چاپ اسکناس و ضرب سکه و تضمین ارزش آن است و کنترل دولت به همین جا خاتمه می یابد.

در چنین اوضاع و احوالی، بویژه بر اثر نگرانی از روی کار آمدن دولتهای سوسیالیست، اغلب سرمایه داران اروپا ترجیح می دادند پولهایشان را به سوئیس منتقل کنند.

اما همه این پول ها حاصل درآمد های غیرقانونی و نامشروع نبود، قسمتی از آن را پس انداز بیوه های ژنرالهای آلمانی، ارباب صنایع فرانسوی، صاحبان کارخانه های فولاد ایتالیا و مالکین اتریشی تشکیل می داد، بیم و نگرانی آنان و سایر مردم را وقتی میتوان خوب دریافت که توجه شود هزاران نفر از آنها در سال ۱۹۱۸ صدها هزار مارک، فرانک یا لیر طلا در بانکها داشتند که در سال ۱۹۲۰ پس انداز زندگی آنها به ورق پاره ای تبدیل شد.

دیگر یکصد فرانک فرانسه ارزش سابق خود را نداشت و در آلمان یک میلیارد مارک جدید حتی با یک سکه طلای سابق برابری نمی کرد.

یک خانواده ثروتمند اتریشی متوجه گردید که پول پس انداز شده ای که زمانی یک میلیون کرون طلا بود حالا حتی برای خرید یک بلیط قطار کفایت نمی کرد.

دولتهای آلمان، فرانسه و ایتالیا فشارهای دیپلماتیک جدی روی دولت سوئیس وارد کردند یا از قبول سپرده های مردم خودداری کنند یا کیفیت آنها را بازگو نمایند. اما چه دولت سوئیس و چه مقامات محلی کانتون ها همیشه پاسخ می دادند که حق ملاحظه در امور مؤسسات خصوصی را ندارند.

بانکداری مدرن خیلی دیر به سوئیس راه یافته است. تجارتخانه های ثروتمند خصوصی در قدیم که بعضی از کارهای بانکی را انجام می دادند بانکهای واقعی نبوده، بلکه مؤسساتی جهت سپردن پول و تنزیل بروات با مراکز مبادله مرتبط به معادلات بازرگانی بوده اند.

آنها پول را مبادله یا نگهداری می کردند ولی به ندرت آن را اجاره یا قرض می دادند.

بانکها بمعنای مدرن فقط پس از نیمه قرن نوزدهم وارد عرصه اقتصادی سوئیس گردیدند، تا آن زمان بانکداری بمفهوم امروز در انگلستان، فرانسه و هلند بعنوان قسمتی از اقتصاد سرمایه داری رو به توسعه اروپا در اوایل دوران صنعتی بطور قابل ملاحظه ای تکامل یافته. اما همانطوری که سوئیس جای مناسبی برای ترویج عقاید مسیحیان پروتستان بود، اشکال و روشهای سرمایه داری که در کشورهای دیگر ابداع شده بود در هیچ نقطه دیگر، حمل امن تر و بادوام تری پیدا نکرد.

درمورد مذهب باید گفت که مردم سوئیس اهمیت زیادی به آن می دادند و این فرقه جدی یعنی کلیسای پروتستان برای آنان بصورت یک طریقت مورد علاقه محسوب می گردید و ثمرات آن هم بخوبی ببار آمد.

در نیمه قرن نوزدهم، بزرگترین نیاز سوئیس به حمل و نقل یعنی راه آهن بود، زیرا هیچ نظام بازرگانی یا صنعتی نمی توانست بدون راه آهن رشد نماید و حتی ایجاد گردد. تا آن زمان در اروپا دادوستد کالا بوسیله راه آهن شروع به عبور از اطراف کوهستانهای آلپ نموده بود که بسمت شرق یا غرب امتداد داشت یا توسط وسایل حمل آبی که به نیروی بخار حرکت میکرد انجام می شد. اما قبل از اینکه این راه آهن ساخته شود، می بایست پول آن را پیدا کرد و برای حصول این منظور نوع جدیدی از بانک سوئیس مورد نیاز بود. فکر رازداری بانکها از سال ۱۹۲۰ برای بانکداری بین المللی سوئیس جنبه حیاتی داشت و هر مدیر بانک یا نماینده پارلمان نسبت به آن آگاه بود. اما مقررات قانون مدنی به زحمت می توانست دلیل موجهی در قبال تحریکات و فشارهای گشتابوی آلمان ارائه دهد. اثر عمده اقدامات آلمان این بود که اعتماد و اطمینانی را که همواره بین بانک و مشتری خارجی اش وجود داشت از بین برد. یک دانشمند سوئیسی در این باره چنین اظهارنظر کرده است، تمامی این اصل مبتنی براساس مقررات اخلاقی اش رازداری درباره حرفه هائی است که بازگو کردن اطلاعات آن حاوی ی جنبه های شخصی و خصوصی بوده، فقط توسط مشتری نسبت به بانک دارد ناشی از این آگاهی است که ارقام و اطلاعات مربوط به وی در بانک کاملاً محرمانه نگهداری خواهد شد. در قوانین اکثر کشورهای اروپائی و امریکا نیز تکلیف رازداری بانکها تصریح گردیده است و در صورت بازگو کردن اطلاعات مربوط به حساب اشخاص

صاحبان اینگونه حسابها حق مطالبه خسارات را خواهند داشت. به این جهت رازداری بانکی جنبه تاریخی دارد و در قوانین کلیه کشورها شناخته شده است. اما تفاوت عمده ای که بین رازداری عادی بانکها و آنچه در قانون مصوب سال ۱۹۳۴ سوئیس به تصویب رسیده بانکهای سوئیس را مجبور به رعایت آن نموده این است که عدم رازداری بانک سوئیسی در قانون مجازات عمومی آن کشور عنوان جرم را یافته است و آثار آن صریحاً و عمداً نسبت به کلیه دولتهای سوئیس تسری داده است. کلیه اطلاعات بانکی بعنوان اسرار تجاری عملاً هرگونه موضوع تجاری، مالی یا صنعتی را که بنظر صاحب آن لازم است از قلمرو آگاهی عامه دور نگاه داشته شود نیز دربر میگیرد. با نتیجه ماده ۲۷۳ قانون مجازات سوئیس با این شرح تدوین گردید.

هر شخصی که به جستجوی اسرار تجاری بمنظور قرار دادن آن در اختیار دول، مؤسسات یا سازمانهای خارجی یا نمایندگان آنها بپردازد و هر شخصی که اینگونه اسرار تجاری را در دسترس دول، مؤسسات یا سازمانهای خارجی یا نمایندگان آنها قرار دهد به مجازات حبس محکوم خواهد شد.

منبع:

<http://www.asrarnameh.com/news.php?id=۳۰۰۳>